

ساختار اداری، فرهنگی و اقتصادی رستاق برخوار از ساسانی تا قاجار

عباسعلی احمدی

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه شهرکرد

تاریخ دریافت: (۱۳۹۷/۰۹/۲۱) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۸/۱۰/۲۸)

Administrative, Cultural and Economic Structure of Borkhar County from Sassanid to Ghajarid

Abbasali Ahmadi

Assistant Professor, Department of Archaeology, Shahr-e Kord University

Received: (2018. 12. 12)

Accepted: (2019. 11.)

Abstract

Although Borkhar county includes the plain and mountainous regions of northern part of Isfahan, the rich historical-cultural background, the strategic importance of their ancient highways, the plurality of settlements, their influential roles in the economic and social aspects of the region, Political and cultural affairs of the Isfahan, considering the Central Plateau of Iran, they are less attended by the historical researchers, moreover; there is not much information about its various historical aspects; hence, in the present research, Historically, in the form of library studies and field observations, it is attempting to identify the background of the region in the pre and Islam era, their administrative structure, historical evolution and socio-economic situation of the region during the Sassanid and Qajar periods. Based on the results of this study, it was revealed that Borkhar was one of the major religious and cultural centers of the Isfahan in the Sassanid period. The importance of this area during the Islamic era was due to their important highways, locations, cultivated lands, and also their influential roles affecting a number of historical events, particularly in 3rd and 4th AH as well as Seljuq and Safavid dynasty and its residential areas developed remarkable

Keywords: Isfahan, Borkhar, County, Sassanid period, Safavid period.

چکیده

رستاق برخوار شامل نواحی دشتی و کوهپایه‌ای شمال اصفهان است که با وجود پیشینه غنی تاریخی - فرهنگی، اهمیت ارتباطی و راهبردی در میان شاهراه‌های باستانی اصفهان، تعدد سکونتگاه‌ها و نقش‌های تأثیرگذار در جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شهر اصفهان و به دنبال آن فلات مرکزی ایران، کمتر مورد توجه پژوهشگران علوم تاریخی بوده و در مورد جنبه‌های گوناگون تاریخی آن، اطلاعات چندانی وجود ندارد؛ از همین رو در پژوهش پیش رو که به شیوه تاریخی در قالب مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی انجام شده، سعی بر آن است تا ضمن شناخت پیشینه منطقه در دوران قبل و بعد از اسلام، ساختار اداری، سیر تحولات تاریخی و وضعیت اجتماعی و اقتصادی منطقه، طی دوره‌های ساسانی تا قاجار، مشخص شود. براساس نتایج حاصل از این تحقیق مشخص شد که برخوار در دوره ساسانی یکی از مراکز عمده دینی و فرهنگی ناحیه اصفهان بوده است. این منطقه در دوران اسلامی به واسطه مواردی همچون عبور شاهراه‌های مهم، موقعیت مکانی، زمین‌های حاصل‌خیز و نقش‌های تأثیرگذار بر پاره‌ای رخدادهای تاریخی، به‌ویژه در سده‌های سوم و چهارم هجری، دوره سلجوقی و دوره صفوی، از رونق و شکوفایی مضاعفی برخوردار گردید و سکونتگاه‌های آن گسترش چشم‌گیری یافت.

کلیدواژه‌ها: اصفهان، برخوار، رستاق، ساسانی، صفوی.

۱. مقدمه

منطقه و چگونگی ارتباط دو سویه آن با شهر اصفهان، تأثیرگذار بوده است.

در معدود مطالعات باستان‌شناسی صورت گرفته در ارتباط با آثار تاریخی و باستانی این منطقه که در گذشته اشخاصی همچون آندره گدار (۱۳۸۴)، ماکسیم سیرو (۱۹۶۷، ۱۳۵۷)، دونالد ویلبر (۱۳۶۸) و لطف‌الله هنرفر (۱۳۵۰) انجام داده‌اند، پیشینه تاریخی منطقه مورد توجه نبوده و تنها برخی آثار آن معرفی شده است. در حقیقت آغاز گردآوری اطلاعات تاریخی برخوار، به مطالعات باستان‌شناسی نگارنده این سطور در ارتباط با بررسی آثار صفوی و قاجار منطقه، بازمی‌گردد (احمدی، ۱۳۸۰). اگرچه این مطالعات در سایر تألیفات نگارنده گسترش یافته (احمدی، ۱۳۸۴ / ۱۳۸۵ / ۱۳۸۸ / ۱۳۹۲ / ۱۳۹۳؛ احمدی - جاوری، ۱۳۹۳؛ کریمیان - احمدی، ۱۳۹۶) و در ادامه توجه دیگر محققان را به خود جلب کرده (سجادی جزئی، ۱۳۸۳؛ سلیمی جزئی، ۱۳۸۶؛ سعیدیان جزئی، ۱۳۸۷؛ یزدانی گزی، ۱۳۹۰؛ بهشتی، ۱۳۷۶)؛ با این وجود، بررسی ساختار اداری، اجتماعی و اقتصادی برخوار از ساسانی تا قاجار تاکنون موضوع پژوهش نبوده و پژوهش پیش‌رو اولین نمونه این دست محسوب می‌شود.

در این پژوهش که از نظر هدف از نوع تحقیقات بنیادی و براساس ماهیت و روش، از نوع تحقیقات تاریخی است، در دو مرحله مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی، مدارک و مستندات تاریخی به عنوان داده‌های اصلی و آثار و بناهای باستانی به همراه مدارک و شواهد زبان‌شناسی به عنوان داده‌های فرعی، با جست‌وجویی توصیفی و تفسیری، به روش کیفی

اصفهان، از دوره ساسانی به عنوان یکی از مراکز حکومتی مطرح و در دوران اسلامی پایتخت چند سلسله پادشاهی بوده است.^۱ ثروت، تنعم و موقعیت خاص جغرافیایی همواره این شهر را در کانون توجه قرار داده است؛ بی‌گمان این اهمیت به عوامل چندی بستگی داشته، از جمله، موقع عمومی یا حوزه نفوذ و نقشی که نواحی حاشیه‌ای آن ایفاء می‌کرده است؛ مناطقی که کمتر مورد توجه پژوهندگان علوم تاریخی بوده و در زمینه‌های مختلف تاریخی، به‌ویژه جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و ساختار اداری آنها در دوره‌های مختلف، اطلاعات اندکی وجود دارد. یکی از این مناطق، برخوار^۲ واقع در شمال شهر اصفهان است (شکل ۱) که با قرار گرفتن بر سر شاهراه‌های اصفهان، اعم از راه‌های ارتباطی شمال و جنوب کشور و راه‌هایی که شهرهایی همچون یزد و کرمان را با مراکزی مثل کاشان و قم ارتباط می‌داد، اهمیتی ویژه یافته است. این موقعیت در کنار پاره‌ای از دیگر عوامل، از یک سو موجب پیدایش آثار، بناها، مراکز سکونتی و شکل‌گیری بسیاری از وقایع مهم تاریخی در این منطقه شده و از سوی دیگر در شیوه معیشت و وضعیت اجتماعی ساکنان

۱. اصفهان در برهه‌ای از دوره‌های آل زیار، آل کاکویه، آل بویه، سلجوقی و صفویه پایتخت ایران بوده است (هنرفر، ۱۳۵۰: ۲۹-۶۶؛ باسورث، ۱۳۸۱: ۳۰۰-۵۳۴).

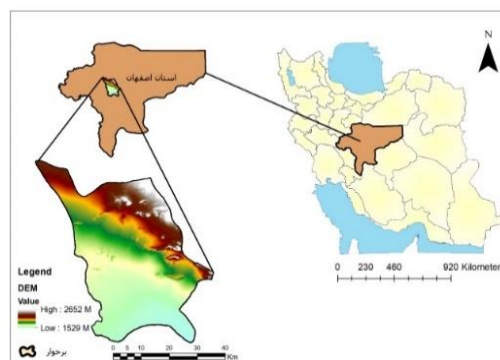
۲. محدوده جغرافیایی و تاریخی مورد مطالعه در این تحقیق ناحیه برخوار کهن یا همان رستاق برخوار است که از لحاظ جغرافیایی با دشت برخوار و کوهپایه‌های مجاور و از نظر تقسیمات کشوری با دهستان برخوار دوره پهلوی و شهرستان برخوار و قسمت‌هایی از شهرستان شاهین‌شهر و میمه فعلی، مطابقت داشته و موقعیت اشاره شده بر آن دلالت دارد.

مورد مطالعه قرار گرفته است.

محصولات دانسته است (مهريار، ۱۳۸۲: ۱۹۵).

به نظر می‌رسد تسمیه برخوار در زبان‌های کهن ایرانی ریشه داشته است؛ بدین شکل که از دو جزء بر و خوار تشکیل شده، جزء اول (بر) شاید تحریف شده فر باشد. فر (فره، خرّه، خوره) که به معنی شکوه، جلال، شأن، شوکت، برازندگی و زیندگی در فرهنگ‌ها ضبط شده، در اصطلاح اوستایی، حقیقتی الهی و کیفیتی معنوی است که چون برای کسی حاصل شود، او را به شکوه و جلال و مرحله تقدس و عظمت معنوی می‌رساند و در اوستا از دو گونه فر ایرانی و فر کیانی (پادشاهی) سخن رفته است (آموزگار، ۱۳۸۷: ۵۵؛ تفضلی، ۱۳۸۶: ۴۵-۵۷). جزء دوم (خوار) نیز احتمالاً از خور آمده که به معنی روشنی بسیار است و نام فرشته‌ای است که موکل آفتاب بوده و نام روز یازدهم از هر ماه شمسی و نامی از نام‌های آفتاب است. در اوستا هوره و هورشته به معنی خورشید و کره آفتاب بوده و بیشتر صفات جاودان و باشکوه به آن نسبت داده شده است (دهخدا، ذیل واژه؛ تفضلی، ۱۳۸۶: ۱۰۲). چنین نظری در مورد تسمیه برخوار، با توجه به وجود نیایشگاه‌های قبل از اسلام منطقه، تقویت بیشتری می‌یابد.

شواهدی همچون، اسامی شهرها و روستاهای منطقه با ریشه‌های اوستایی، پهلوی یا برگرفته از نام‌های اصیل ایرانی از قبیل گز، خورزوق، دستگرد، آذرمناباد، سین، سنا، مورچه خورت، دلیگان، درمیان، شاپورآباد، لودریچه (لهراسبیه)، نرمی، گرگاب، کربکنند، هباد (حبیب‌آباد) و کته بونچه (مهريار، ۱۳۸۲: ۵۸۲-۸۷۰)، به همراه



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی برخوار (مأخذ: نگارنده)

۲. وجه تسمیه و پیشینه تاریخی

برخوار در متون دوره اسلامی به صورت‌های گوناگونی چون بُرخوار، بُرخوار، بُرخوار، پُرخار (احمدی، ۱۳۸۰: ۲۵)، بُرخار (یعقوبی، ۱۳۴۳: ۵۰)، بُرخوار (ابن سپاهی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۸۴)، خوار (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶: ۳۸)، بول خار (تاریخ عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۱۹۵) و بلخار (زین‌العابدین شیروانی، بی‌تا: ۱۶۵) آورده شده؛ با این وجود تلفظ صحیح، متداول و کهن آن، بُرخوار است. جناب در اواخر دوره قاجار با توجه به پوشش گیاهی غالب منطقه (انوع خار)، آن را در اصل بُل خوار، بُل به معنی بسیار و خوار به معنی خار و تیغ می‌داند (جناب، ۱۳۷۶: ۱۲۹). عبدالرحمان عمادی بُرخوار را ترکیب یافته دو واژه بُر به معنی بریدن و خوار به دو معنی متضاد خوش و آسان و دیگری پست و زبون می‌داند و با فرض ساخته شدن آتشکده ذروان اردشیر در شهر گز برخوار، برخوار را به معنی نیمروز، قبله و ذروان قلمداد کرده است (عمادی، ۱۳۷۵: ۵۱۹۷). محمد مهريار در مورد تسمیه برخوار ابهام داشته و آن را به معنی بلوک برخوردار از دیه، زراعت، امکانات و

برخی گویش‌های گزی، خورزوقی و کمشچه‌ای که در دسته گویش‌های ولایتی قرار داشته و لغات پهلوی بسیار در آن وجود دارد (پورریاحی، ۱۳۶۷: ۸۶)، همگی نشان از پیشینه پیش از اسلامی برخوردار دارد. بنا بر نوشته ابن رسته (سده سوم هجری)، خسرو اول ساسانی، کاخ‌هایی در برخوردار برای هر یک از کودکان همدرسش ساخته بود که از لحاظ وسعت و اندازه مشابه قصر پادشاه بوده و تا زمان ابن رسته پا برجا بوده و مایه مباهات بازماندگان آنها بوده است (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۸۱، ۱۸۲).

حمزه اصفهانی (۲۸۰-۳۶۰ق)، به ساخت سه آتشکده توسط کی اردشیر یا بهمن ابن اسفندیار در یک روز، یکی به نام شهر اردشیر در جانب قلعه ماربین، دوم به نام آتشکده ذروان اردشیر در قریه دارک برخوردار و سوم آتشکده مهر اردشیر در قریه اردستان، اشاره کرده است (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶: ۳۸). کتاب *مجمعل التواریخ و القصص* (۵۲۰ق)، این مطلب را بازگو و آتشکده دارک برخوردار را تحت عنوان وزوار اردشیر معرفی کرده و در ادامه می‌نویسد که بهمن بن اسفندیار بر کنار آنها بناها بر آورد و موبدان را بدان گماشت (*مجمعل التواریخ و القصص*، ۱۳۱۸: ۵۴). این آتشکده تا زمان فتح اصفهان به دست اعراب در روستای دارک وجود داشته و بنا به نوشته ابونعیم اصفهانی (سده چهارم و پنجم هجری) از ابعاد بزرگی برخوردار بوده است (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۴۲). حمدالله مستوفی (سده هشتم هجری) این حکایت را در *تاریخ گزیده بیان* (حمدالله مستوفی، ۱۳۳۹: ۹۴، ۹۵) و در *نزه القلوب* به

ساخت آتشکده‌ای توسط بهمن بن اسفندیار^۱ در گز برخوردار اشاره کرده است (همو، ۱۳۶۲: ۵۱). به غیر از شواهد یاد شده، بناها و محوطه‌هایی مربوط به قبل از اسلام از جمله آتشکده ساسانی گز (Sirox, 1967: 93-94)، بنای چهل دختران روستای سین که به عنوان نیایشگاهی ساسانی برای آن‌هایتا معرفی شده (جعفری زند، ۱۳۸۱: ۲۵۹)، پاسگاه ساسانی رباط سلطان (سیرو، ۱۳۵۷: ۲۶)، قلعه ساسانی پیازآباد، تپه تاریخی گز و محوطه‌هایی مربوط به دوران ساسانی در منطقه وجود دارد (احمدی، ۱۳۸۴؛ ۱۳۹۳).

متون جغرافیایی قرون سوم و چهارم قمری برخوردار را یکی از ۲۰ رستاق اصفهان معرفی کرده‌اند (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۲۰؛ یعقوبی، ۱۳۴۳: ۵۰؛ ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۸۲؛ ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۹۸؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۶-۱۱۰). از جمله آثار برخوردار در این دوره، قسمت‌هایی از رباط سلطان، کاروانسرای چاله سیاه کهنه (سیرو، ۱۳۵۷: ۶۵، ۹۱)، مسجد جامع شاپورآباد (سیرو، ۱۳۵۷: ۱۴۲)، سازه‌های سده‌های سوم و چهارم قمری بقعه امامزاده نرمی، قسمت‌های آل بویه مسجد جامع گز، برخی فضاهای قلعه دهچی و تعداد زیادی محوطه و تپه تاریخی است (احمدی، ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۸).

از دوره سلجوقی سند مبیعه‌ای مورخ ۵۶۱ق وجود دارد که نشان‌دهنده فروش سهم یکی از روستاهای برخوردار توسط شاهزاده خانم سلجوقی

۱. بنا بر نظر برخی محققان بهمن بن اسفندیار که جزء پادشاهان سلسله اساطیری کیانیان محسوب شده با اردشیر اول ساسانی (هاشمی، ۱۳۷۰: ۲۴۲؛ بهار، ۱۳۸۸: ۸۳) و بنا بر نظر بعضی، با اردشیر دوم ساسانی قابل انطباق است (محمدی ملایری، ۱۳۷۵: ۳۴۴).

۳۰۶) و گزارش‌های جهانگردان خارجی و داخلی در ارتباط با برخوار دوره‌های صفوی و قاجار وجود دارد که در زمینه‌های مختلف اطلاعات در خور توجهی به دست می‌دهد. در دوره قاجار جغرافی دانانی چون اعتمادالسلطنه (۱۳۶۷ الف: ۲۴۱)، الاصفهانی (۱۳۶۸: ۲۹۹-۳۰۳)، افضل‌الملک (۱۳۸۰: ۷۸-۸۰) و جناب (۱۳۷۶: ۱۲۸)، برخلاف جغرافی دانان دوره‌های قبل، مطالب مفصلی در ارتباط با حدود و ثغور، نام شهرها و روستاها، محصولات و سیستم آبرسانی برخوار آورده‌اند.

۳. ساختار اداری برخوار

در ارتباط با ساختار اداری برخوار در دوران پیش از اسلام، منبع مکتوبی برجای نمانده است؛ با این وجود اگر توضیحات متون جغرافیایی قرون اولیه اسلامی در ارتباط با نواحی ایالت اصفهان در سده سوم و چهارم هجری - به ویژه در کتابی چون *مسالك الممالک ابن خردادبه*، به عنوان کهن‌ترین منبع مکتوب اشاره کننده به برخوار - را همانند بسیاری از منابع مکتوب سده‌های اولیه اسلامی، وام‌دار مکتوبات دوره ساسانی و انعکاس دهنده تقسیمات جغرافیایی آن عهد بدانیم (محمدی ملایری، ۱۳۷۵: ۱۷۵-۲۰۹) و از این ره‌آورد آن را به اصفهان عصر ساسانی تعمیم دهیم، احتمالاً برخوار در این زمان نیز از نواحی و بلوکات اصفهان یا همان گی (جی)، محسوب می‌شده است.

در دوران اسلامی، منابع سده‌های متقدم و میانه اسلامی (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۷۰؛ یعقوبی، ۱۳۴۳: ۵۰؛ ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۸۲؛ ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۹۸؛

به یکی از امرای این دوره است (اتابکی، ۱۳۷۸: ۴۵۸). وجود آثار ارزشمندی همچون مسجد و منار گز و مسجد و منار سین (هنرفر، ۱۳۵۰: ۱۸۷-۱۹۷) به همراه آثاری همچون رباط سلطان (سیرو، ۱۳۵۷: ۱۰۹-۱۱۷)، رباط هوایی، رباط رحمت‌آباد، تپه‌ها و محوطه‌های متعدد (احمدی، ۱۳۸۴) از تداوم رونق و اعتبار منطقه و سکونتگاه‌های آن طی سده‌های پنجم و ششم هجری حکایت دارد.

جغرافی دانان سده‌های هفتم و هشتم هجری همچون یاقوت حموی (۱۳۷۶: ۲ / ۱۳۳، ۱۳۴؛ ۱۳۷۶: ۳ / ۳۰۱)، بغدادی (۱۹۹۲ م: ۱۷۹)، ابوالفدا (۱۳۴۹: ۴۷۴) و حمدالله مستوفی (۱۳۶۲: ۵۰) به معرفی برخوار به عنوان یکی از رستاق‌های اصفهان، گز، سین برخوار و برخی دانشمندان این دیار پرداخته‌اند. از دوران حکم‌فرمایی ایلخانان مخصوصاً حکومت محلی آل مظفر آثار و بناهای چندی از قبیل کاروانسرای چهار برج، چند اقامتگاه (سیرو، ۱۳۵۷: ۳۶۸ و ۱۴۹)، کاروانسرای سین (ویلبر، ۱۳۶۸: ۱۹۲)، امامزاده شاهزاده عبدالؤمن، امامزاده علی و چندین محوطه (احمدی، ۱۳۸۴) در برخوار باقی مانده است. از اوضاع و احوال برخوار طی سده نهم هجری اطلاعی در دست نیست.

در دوران صفویه، با اهمیت یافتن مجدد اصفهان به عنوان پایتخت ایران، برخوار نیز اهمیت دو چندان یافت و این مسئله با توجه به کثرت آثار و بناهای منطقه در این دوره مشخص می‌شود. حجم عظیمی از اسناد وقفی (سپنتا، ۱۳۴۶: ۴۴-

۱. با توجه به تعداد زیاد آثار این دوره از ذکر نام آنها خوداری می‌شود. رک: (احمدی، ۱۳۸۰؛ ۱۳۸۴).

از نواحی و بخش‌های تابع ایالت و شهر اصفهان مطرح بوده و نامی بود که بر ناحیه واقع در مجاورت بلافصل شمالی اصفهان اطلاق می‌شد.

در رابطه با ابعاد، محدوده جغرافیایی و نام آبادی‌های برخوار تا قبل از دوره قاجار اطلاعات دقیقی عنوان نشده با این وجود، احتمالاً موارد نوشته شده در منابع قاجار قابل تعمیم به دوره‌های پیشین نیز است. برخوار از جنوب شرق تا جنوب غرب، به ترتیب با رستاق‌های قهاب، جی و ماربین^۲، از غرب با رستاق ماربین و نجف‌آباد، از شمال به نطنز، از شمال شرق به اردستان و از شرق به بلوک کوهپایه محدود می‌شده است (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۹۹). در ارتباط با ابعاد منطقه، در برخی منابع ۱۵ فرسخ طول و ۵ فرسخ عرض (همان: ۲۹۹) و در برخی ۸ فرسخ طول ذکر شده است (جناب، ۱۳۷۶: ۲۸). به نظر می‌رسد برخی آبادی‌های واقع در نقاط سرحدی برخوار، در بعضی دوره‌ها، جزء سکونتگاه‌های دیگر رستاق‌ها و مناطق هم‌جوار بوده است؛ به عنوان مثال در دوره ناصرالدین شاه قاجار، برخی روستاهای برخوار همچون کلهرود، باغ میران و سه که در سرحد شمالی آن قرار دارند، جزء محدوده حکومت نطنز قلمداد می‌شدند (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۰۳). یا دارک، واقع در سرحد جنوبی برخوار که در دوران قبل از اسلام و اوایل دوره اسلامی از روستاهای برخوار محسوب می‌شد (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶: ۳۸)، در منابع قاجاری در زمره روستاهای برخوار دانسته نشده (الاصفهانی، ۱۳۶۸:

ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۷؛ یاقوت حموی، ۱۹۵۷: ۱۳۳، ۱۳۴؛ حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ۵۰)، برخوار را یکی از رستاق‌ها و نواحی مهم اصفهان معرفی کرده و این رستاق و رستاق جی را بزرگ‌ترین ناحیه در میان نواحی اصفهان دانسته‌اند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۷). در این میان تنها در متنی از دوره سلجوقی، برخوار به عنوان یکی از اعمال اصفهان معرفی شده است (اتابکی، ۱۳۷۸: ۴۵۸). واژه رستاق یا معادل فارسی آن روستا با بخش امروزی مطابقت داشته (کیانی، ۱۳۶۵: ۲۰۸) و از نظر یاقوت حموی جایگاهی است که دیه و کشتزار بسیار داشته و در نزد ایرانیان به جای سواد^۱ در اصطلاح مردم بغداد به‌کار می‌رفته و از خوره و استان کوچک‌تر بوده است (یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۳۸). واژه اعمال نیز به معنی توابع و آبادی‌های حومه شهر بوده (دهخدا: ذیل واژه) و به نوعی هم‌طراز واژه رستاق بوده است. در دوره صفوی، به جای اصطلاح روستا و اعمال، از اصطلاح بلوک و محال برای معرفی برخوار استفاده شده و آن را در زمره یکی از نه بلوک اصفهان قلمداد کرده‌اند (جعفریان، ۱۳۷۳: ۲۶۲). تا پایان دوره قاجار برخوار همواره به عنوان یکی از محال و بلوک اصفهان معرفی شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱ / ۲۴۱؛ الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۹۹-۳۰۳).

چنانچه مشخص است، برخوار از منظر تقسیمات کشوری و نظام اداری، حداقل از دوره ساسانی تا پایان دوره قاجار، همواره به عنوان یکی

۲. سرحد مرزی این رستاق‌ها با برخوار به دلیل گسترش فضای شهری، اکنون در محدوده شهر اصفهان قرار گرفته است.

۱. به معنی دهات شهر، حوالی و نواحی گرداگرد شهر است (دهخدا: ذیل واژه).

چنانچه از گفته‌های محلی، بررسی‌های میدانی (احمدی، ۱۳۸۴) و مطالب متون (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۰۳؛ افضل‌الملک، ۱۳۸۰: ۷۸-۸۰) مشخص می‌شود؛ بسیاری از این سکونتگاه‌ها در نتیجه یورش اقوام مغول، تیموری و افغان ویران شده است. با توجه به آن که برخی از این سکونتگاه‌ها در نقاط حاشیه کویر و شوره‌زار واقع شده‌اند؛ به نظر می‌رسد از دیگر عوامل تخریب و متروک شدن آنها، عوامل اقلیمی به ویژه بی‌آبی بوده است. توجه به مواردی همچون وجود نظم فضایی، معابر غیرارگانیک، ساختمان‌های یک شکل و وجود بناهای ویژه و یا تعدد گونه خاصی از بناها در آثار برجای مانده از برخی مکان‌ها همچون مورچه‌خورت، جلال‌آباد، محمودآباد، جعفرآباد، آقا نورا و کمال‌آباد و همچنین نام‌گذاری فضاهایی از بعضی محوطه‌های یاد شده به چهارباغ در نزد کهنسالان محلی، نشان دهنده ساخت آنها براساس طرح‌های از پیش تعیین شده شهری، با در نظر گرفتن اهداف و کاربری‌های خاص بوده است. بدین شکل که برخی از سکونتگاه‌های منطقه در زمینه امور تجاری و امور وابسته بدان ایفای نقش نموده، برخی در زمینه تولیدات کشاورزی و باغداری، بعضی کاربری‌های خاص مذهبی (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۰۳) و برخی نیز عملکردهای چندگانه را توأمان داشته است.

عملکردهای متنوع یاد شده، اگرچه در دوره‌های مختلف تاریخی با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است؛ اما از نقش‌های ویژه و تأثیرگذار سکونتگاه‌های این منطقه در توسعه شهری و تأمین احتياجات ساکنان اصفهان نشان دارد؛ موضوعی که در کنار دیگر عوامل، از عوامل بالقوه تأثیرگذار و

در تقسیمات جغرافیایی دهه‌های گذشته به عنوان یکی از روستاهای بلوک قهاب معرفی شده است (اداره جغرافیایی ارتش، ۱۳۶۷: ۱۱۳، ۱۱۴).^۱ به غیر از ۲۳ شهر و آبادی برخوار که امروزه باقی مانده و حداقل در منابع قاجاری به نام آنها اشاره شده است (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۹۹-۳۰۳)، اطلاع از دیگر سکونتگاه‌های منطقه، به واسطه بررسی مکتوبات تاریخی و بررسی‌های باستان‌شناسی امکان‌پذیر شده است؛ آبادی‌هایی چون عینی (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۸۴)، دانجی (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۴)، بلومیه (یاقوت حموی، ۱۳۷۶: ۱ / ۲۹)، برتیان (دلاواله، ۱۳۴۸: ۴۳۹)، کنجار، خیرآباد، بهرام‌آباد، مؤمن‌آباد، مظفرآباد (جعفریان، ۱۳۷۳: ۲۶۲-۲۸۵)، مادرشاه (نجم‌الملک، ۱۳۴۱: ۸) و ملک‌آباد (سپنتا، ۱۳۴۶: ۵۲)، در نتیجه مکتوبات تاریخی و سکونتگاه‌های همچون لنگان، جلال‌آباد، عبدالرحمان، عباس‌آباد، جلال‌آباد، دژنون، سنا، سفیدآب، دره، زلندیر، سرآباد، پیرونچی، جارچی باشی، آخور سالار، ده زندان، اسقلان، رحمت‌آباد، مشکاب، شاه‌وازی، تیرآباد، پل سنگی، درمیان، علی‌آباد ریگ، اله‌آباد، امدآباد، رشتوان، ظهیرآباد، کمال‌آباد، سلطان‌آباد، محمودآباد کهنه، محمودآباد اعظم، حسین‌آباد اعظم، بوجوری، چاه سرخ، یزدگرد، فیروزآباد، رباط سلطان، باکردی، جعفرآباد، منابادچی، عشرت‌آباد، زرین‌آباد، بتکاباد، کریم‌آباد، گلوس و دویسول (احمدی، ۱۳۸۴)، در نتیجه بررسی‌های باستان‌شناسی، شناسایی گردیده است.

۱. لازم به توضیح است که امروزه دارک جزء محدود شهری اصفهان محسوب می‌شود.

براساس گزارش جهانگردان در این دوره نه تنها برخوردار دارای حاکم و ضابط بوده (ملک المورخین، ۱۳۹۲: ۲۸، ۵۶) بلکه برخی آبادی‌های بزرگ آن نیز قاضی و ضابط خاص خود را داشته‌اند (وامبری، ۱۳۷۲: ۹۹؛ موریه، ۱۳۸۶: ۱۹۷). با توجه به اسناد و وقف‌نامه‌های موجود (سپنتا، ۱۳۴۶: ۴۴-۳۰۹؛ فلسفی، ۱۳۴۶: ۱۳۷؛ احتشامی، ۱۳۸۴: ۱۸۸؛ جعفریان، ۱۳۷۳: ۲۵۱-۲۹۰)، طی دوره‌های صفوی و قاجار چهار نوع نظام مالکیت زمین در برخوردار وجود داشت؛ یکی اراضی متعلق به پادشاه، دیگری اراضی دولتی، دیگر اراضی متعلق به افراد و در پایان اراضی وقفی. به طور کلی اغلب زمین‌ها اعم از سلطنتی، دولتی، وقفی و خصوصی به دهقانان اجاره داده می‌شد و مبنای اجاره نیز شکلی از تقسیم محصول بود (فوران، ۱۳۸۵: ۵۸)

۴. اهمیت سیاسی و نظامی برخوردار در فلات

مرکزی ایران

برخوار از معدود مناطق اصفهان بود که در برابر هجوم اعراب مقاومت کرد و سرانجام در سال ۲۱ق به جنگ فتح شد (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۴۴). طی حمله مغول نبرد سختی میان سپاهیان جلال‌الدین خوارزمشاه و سپاهیان مغول در حوالی روستای سین برخوردار صورت گرفت که طی آن مغول‌ها تا کاشان عقب رانده می‌شوند (زیدری نسوی، ۱۳۶۵: ۳۰۰، ۳۰۱).

خواجه صدرالدین از بزرگان هرات که برای

بسترساز بر پایتختی اصفهان در برخی دوره‌ها- به‌ویژه دوره صفوی- بوده است. از سویی با توجه به مطالب متون (افضل‌الملک، ۱۳۸۰: ۷۸-۸۰؛ الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۱، ۲۲؛ جناب، ۱۳۷۶: ۱۳۱) و بررسی‌های میدانی (احمدی، ۱۳۸۸/۱۳۸۴)، با در نظر گرفتن مواردی همچون ابعاد، وسعت محوطه‌ها، عملکردها، فواصل و حوزه‌های نفوذ، نوعی نظام سلسه مراتبی در سکونتگاه‌های منطقه وجود داشته که در رأس آن قصبه‌ها به عنوان کانون‌های مرکزی، در مرتبه بعد روستاها و در پایین‌ترین رده آن، مزارع مسکون یا قلعه‌های اربابی قرار داشتند. وجود چنین نظامی از یک سو موجب تعیین و تفکیک عملکردهای اصلی و فرعی سکونتگاه‌ها بوده و از سویی در رشد و توسعه پایدار برخی سکونتگاه‌های منطقه در دوره‌های مختلف، تأثیرگذار بوده است.

در ارتباط با چگونگی نظام اداری، مقامات و مالکیت زمین برخوردار تا قبل از دوره صفوی، اطلاع چندانی وجود ندارد. سند مبیعه دوره سلجوقی نشان می‌دهد برخی آبادی‌های برخوردار در این دوره ملک شخصی امرا و شاهزادگان سلجوقی بوده است (اتابکی، ۱۳۷۸: ۴۵۸). در دوره صفوی برخوردار جزء محال خاصه بوده و هرکدام از محال ایالت خاصه اصفهان رئیس، کلانتر و مستوفی خاص خود را داشت (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۴۰-۴۰۶؛ تحویلدار، ۱۳۴۲: ۱۲۶). در دوره قاجار امور ولایات و بلوکات را حکام جزء، نایب‌الحکومه‌ها و ضابطین^۱ اداره می‌کردند (احتشامی، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

→ خدمات سرکاری وصول و ایصال تنخواه دیوان پادشاهی را برای آن بر شمرده‌اند (احتشامی، ۱۳۸۴: ۱۰۹، ۲۰۷).

۱. برخی ضابط را حاکم نواحی و بلوکات معرفی کرده و وظایفی همچون سرپرستی رعایا، حراست احوال و اموال و انجام ←

شاه صفوی سنگر گرفتند (اسکندریگ منشی، ۱۳۷۱: ۵۶۱). در سفر پیاده شاه عباس از اصفهان به مشهد، مورچه‌خورت (بعد از دولت آباد) به عنوان دومین منزل بعد از اصفهان، محل توقف شاه و درباریان بوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۸۹۶). در اواخر دوره صفوی یکی از آخرین نبردهای افغانه و صفویان، قبل از تسخیر کامل اصفهان، در نزدیکی گز روی می‌دهد و طی آن صفویان شکست سختی می‌خورند (لاکهارت، ۱۳۴۳: ۱۸۴). گز از جمله مناطقی بود که به دلیل داشتن قلعه‌ای استوار، تا مدت‌ها بعد از سقوط اصفهان به دست افغان‌ها، هنوز در برابر آنها پایداری می‌کرد (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۷۱-۷۷).

از معروف‌ترین وقایعی که در مورچه‌خورت برخوار اتفاق افتاد، نبرد نادر با اشرف افغان بود که به شکست افغان‌ها منجر شد (میرزا مهدی‌خان استرآبادی، ۱۳۴۱: ۱۰۵، ۱۰۶). بعد از شکست افغان‌ها، نادر قاصدی نزد تهماسب سوم صفوی می‌فرستد تا خبر تصرف اصفهان را به اطلاع او برساند و برای جلوس بر تخت سلطنت به آن شهر عزیمت کند. این دو همدیگر را در گز ملاقات می‌کنند (پردولاماز، ۱۳۷۰: ۱۲۱، ۱۲۲). از جمله وقایع رخ داده در برخوار، طی دوره زندیه، مرگ علی‌مردان‌خان زند در مورچه‌خورت بود (رستم‌الحکما، ۱۳۴۸: ۴۴۶). طی شورش‌های محمدخان بن زکی‌خان زند در اصفهان، از گز و مورچه‌خورت به عنوان کمین‌گاه‌هایی بر ضد نیروهای قاجار استفاده می‌شد (رضاقلی‌خان هدایت، ۱۳۳۹: ۳۲۳، ۳۲۴).

فتحعلی‌شاه قاجار در سفر تهران به اصفهان، در

رساندن نامه‌ای به شاه اسماعیل، از طرف سلطان حسین بایقرا به طرف اصفهان آمده بود، به دستور شاه اسماعیل در گز مورد استقبال امرا و اهل علم دربار صفوی قرار می‌گیرد (تاریخ عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۱۹۵). طی زمامداری شاه عباس اول صفوی هرگاه شاه قصد خروج یا داخل شدن به پایتخت را داشت، مسیر دولت‌آباد برخوار تا شهر اصفهان (حدود ۱۵ کیلومتر) آذین‌بندی و با فرش مفروش می‌شده است و در سرتاسر راه درباریان و سربازان و مردمان عادی جهت استقبال از پادشاه گرد هم می‌آمدند (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۵۰: ۵۳۸-۵۷۶). این مراسم جهت استقبال از محمدرولی‌خان ازبک (فلسفی، ۱۳۴۶: ۱۳۷، ۱۳۸) و برخی سفرای خارجی نیز انجام می‌شد (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۳۲۹). دولت‌آباد در زمان شاه عباس برای رجال دولتی حد ترخیص اصفهان محسوب شده (خواجگی اصفهانی، بی‌تا: ۱۳۲) و یکی از منازل شخصی شاه عباس در آن قرار داشت (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۳۴). اسکندریگ منشی به چندین مورد توقف شاه عباس و درباریان در دولت‌آباد حین لشکرکشی به شیروان اشاره کرده است (اسکندریگ منشی، ۱۳۷۷: ۱۰۳۰).

مورچه‌خورت^۱ از دیگر سکونتگاه‌های برخوار است که طی دوران صفویه وقایعی در آن رخ داده و در متون و برخی کتیبه‌ها به آن اشاره شده است (فلسفی، ۱۳۵۳: ۲۱۲، ۲۱۳؛ هنرفر، ۱۳۵۰: ۸۹، ۱۵۷). در دوره شاه محمد خدابنده، امرای ارشلو در مورچه‌خورت شورش کرده و بر ضد

۱. مورچه‌خورت امروزه جزء شهرستان شاهین شهر و میمه قرار گرفته و در حدود ۵۰ کیلومتری شمال اصفهان واقع شده است.

رویدادها به مواردی همچون روند تحولات سیاسی و نظامی درون و برون منطقه‌ای، آداب و رسوم و تشریفات درباری و پایتختی یا عدم پایتختی و به دنبال آن کاهش یا افزایش اهمیت شهری اصفهان ارتباط داشته و بسته به آن دچار تغییر یا استمرار بوده است. چنین شرایطی در ساختار شکلی سکونتگاه‌های منطقه که براساس گزارش‌های تاریخی (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۷۱-۷۷) و بررسی‌های میدانی (احمدی، ۱۳۸۰، ۱۳۸۴)، غالباً از برج و بارو و حصارهای مستحکم برخوردار بوده، تاثیرگذار بوده و تداوم یا عدم تداوم حیات برخی از آنها را نیز باعث شده است.

۵. بافت فرهنگی - اجتماعی و جمعیتی برخوار

در دوره ساسانی اصفهان بنا به دلایلی همچون قرارگیری در نواحی مرکزی فلات ایران و مسیر راه‌های مهم ارتباطی، مکان مناسبی جهت تجمع سپاهیان مناطق جنوبی کشور محسوب می‌شد و از این رو حکومت آن به ولیعهد ساسانی سپرده می‌شد و مقر اصلی واسپورگان بود (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۶۵۷). از سویی به دلیل واقع شدن در مجاورت ارتفاعات، رستاق جی از شرایط مساعدتری برای دفاع برخوردار بود و شهر جی کرسی این ایالت بر آن قرار داشت. شهری نظامی که محل سکونت حکمرانان بود و روستاهای حوزه آبیاری زاینده رود همگی از آن تبعیت می‌کردند (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۷۶: ۱۹۳). به نظر می‌رسد در این دوره رستاق جی و رستاق برخوار همانند قرون اولیه اسلامی به عنوان دو ناحیه بزرگ اصفهان، نقش مهم و تأثیرگذاری ایفا می‌کردند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۶، ۱۰۷)؛ بدین شکل که

گزا^۱ مورد استقبال برخی اعیان و درباریان قرار گرفت (رضاقلی‌خان هدایت، ۱۳۷۳: ۴۱۷) و همچنین در لشکرکشی فتحعلی‌شاه برای تنبیه ایلات بختیاری، توپخانه و سپاه اصلی در مورچه-خورت به او پیوست (همان: ۴۴۲، ۴۴۳). مقارن با مشروطیت، مورچه‌خورت مکان تجمع اردوی مشروطه‌خواهان برای حمله به تهران بود (رجایی، ۱۳۸۵: ۸۵) و در آنجا بود که سپاه سردارظفر به سپاه سرداراسعد بختیاری و صمصام‌السلطنه می‌پیوندند (رجایی، ۱۳۸۶: ۲۱۹، ۲۲۰). براساس گزارش‌های تاریخی در دوره قاجار درگیری‌های زیادی در مورچه‌خورت بین نیروهای دولتی و شورشیان به وقوع می‌پیوندد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷الف: ۹۹۰). در اواخر این دوره مسیر مورچه-خورت تا کاشان عرصه تاخت و تاز یاغیان اصفهان می‌شود (برد، ۱۳۷۶: ۲۷۳).

موارد یاد شده از اهمیت سوق الجیشی منطقه در دوره‌های مختلف نشان دارد؛ قرار گرفتن در مرکزی‌ترین نقطه ایران، به همراه قرارگیری در مجاورت بلافاصل شهر اصفهان، چگونگی توپوگرافی منطقه به صورتی که در حد فاصل ارتفاعات شمالی آن تا شهر اصفهان، نواحی دشتی هموار قرار گرفته و همچنین گذر شاهراه‌های عمده ارتباطی از جمله عواملی است که موجب شده برخوار و سکونتگاه‌های آن، طی دوره‌های مختلف، به بستری تأثیرگذار بر پیدایش رویدادهای مختلف سیاسی و نظامی فلات مرکزی ایران تبدیل شود. چنانچه مشخص است میزان و اهمیت این

۱. گز امروزه جزء شهرستان شاهین‌شهر و میمه بوده و در ۱۸ کیلومتری شمال اصفهان قرار دارد.

حکایت دارد. با توجه به مواردی همچون پیدایش طبقه دهقانان در پی اصلاحات ارضی خسرو اول (تفضلی، ۱۳۸۷: ۵۱)، سکونت کشاورزان و به دنبال آن اهمیت کشاورزی برخوار در قرون اولیه اسلامی^۲ (یعقوبی، ۱۳۴۳: ۵۰؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۶-۱۱۰) و تعمیم آن به دوران ساسانی، به احتمال زیاد دهقانان یا نجیب‌زادگان اصیل ایرانی به عنوان اشخاص زمین‌داری که از وظایف اصلی آنها نظارت بر روستائیان و گردآوری مالیات از آنان بود در کنار پیشوایان مذهبی، از دیگر طبقات صاحب نفوذ در این منطقه بوده‌اند. اشاره منابع تاریخی بر فتح برخوار به جنگ (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۴۴) بر خلاف اصفهان که به صلح گشود شد، از وجود طبقه دهقانان به عنوان سرکردگان و عناصر سازمان دهنده نیروی رعایای محلی برخوار در برابر فاتحان مسلمان حکایت دارد.^۳

نوشته‌های جغرافی‌دانان سده سوم قمری از رونق و جمعیت بسیار برخوار با در برداشتن ۳۶۰ قریه حکایت دارد (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۹۸). شرح ابن حوقل نیز بسیار قابل توجه است به طوری که نشان می‌دهد برخوار در خلال قرن چهارم هجری بسیار آباد و پرجمعیت بوده، شهرهایی در آن وجود داشته و به همراه رستاق جی بزرگ‌ترین ناحیه اصفهان بوده است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۶، ۱۰۷). به عنوان مثال اشاره وی مبنی بر وجود منبر

ناحیه جی با در برداشتن شهر جی و برخی قلاع و استحکامات مرکزیت سیاسی و حکومتی داشته و ناحیه برخوار با قرار گرفتن دو آتشکده بزرگ و دیگر بناهای آئینی، مرکزیت دینی و مذهبی داشته است.

وجه تسمیه روستای آذرمناباد برخوار به معنی جایی که آذرمند آن را آباد کرد یا جایگاه و آبادی آذرمند (مهریار، ۱۳۸۲: ۵۰-۵۲)، از دیگر دلایل ارایه چنین نظری است. چنین امری احتمالاً حاکی از درجه اعتبار و مکنت پیشوایان مذهب زرتشتی در این منطقه بوده است؛ چنانچه توان ایجاد آبادی داشته و احتمالاً قریه‌ای را به منظور اسکان پیشوایان و کارگزاران مذهبی دوره ساسانی به وجود آورده‌اند. وجه تسمیه درمیان، یکی دیگر از روستاهای بزرگ و متروک برخوار به معنی آتشکده دهکده که در میان دو آتشکده دیگر واقع بوده (همان: ۳۸۲) نیز به عنوان نکته‌ای دال بر وجود آتشکده‌های متعدد در این منطقه قابل توجه است.^۴ وجه تسمیه برخوار، آذرمناباد، درمیان، وجود آتشکده‌ها و نیایشگاه‌هایی مربوط به دوران قبل از اسلام و همچنین نظر برخی محققان مبنی بر عدم وجود آتشکده در درون حصار جی باستان (غلوم‌بیگ، ۱۳۸۵: ۲۶)، جنبه تقدس منطقه در این دوران را نشان داده و نظر یاد شده را تقویت می‌کند.

نوشته‌های ابن رسته مبنی بر وجود کاخ‌های هم‌درسان خسرو انوشیروان در ناحیه برخوار، از وجود طبقه‌ای از نجبای ساسانی در این منطقه

۲. از همین رو برخی چون مهریار وجه تسمیه برخوار را بر گرفته

از خوار و بار و به معنی بلوک برخوردار از زراعت دانسته‌اند.

۳. یکی از این سرگردگان بعد از اسارت و انتقال به شهر کوفه در

زمره سرشناس‌ترین فقهای کوفه قرار می‌گیرد (ابونعیم اصفهانی،

۱۳۷۷: ۱۴۲).

۱. از نکات جالب توجه در این ارتباط، وجود دو محوطه ساسانی،

به فاصله نزدیک در دو سوی درمیان است (احمدی، ۱۳۸۴).

با توجه به مطالب متون و وجود آثار ساختمانی متعدد و متنوع، دوران صفوی یکی از ادوار پررونق منطقه بوده است. رشد و تراکم جمعیت در این زمان به حدی بوده که شاردن، سیاح معروف فرانسوی طی یکی از مسافرت‌های خود در طول مسیر مورچه‌خورت تا اصفهان که از نواحی برخوار عبور می‌کند به وجود آبادی‌ها و کاروانسراهای بسیار اشاره کرده، به طوری که گمان برده در نزدیک شهر قرار دارد (شاردن، ۱۳۳۶: ۹۲). از سویی دیگر ساخت شهرهای کوچک یا قصباتی با بناهای ویژه در برخوار این دوره (احمدی، ۱۳۸۴؛ الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۹۹-۳۰۳)، از وجود تلاش‌های برنامه‌ریزی شده در افزایش جمعیت منطقه در دوره صفوی حکایت دارد. مراکزی که بسیاری از آنها به یکباره در نتیجه حمله افغانه برای همیشه متروک می‌شوند. طی دوره‌های افشاریه، زندیه و قاجاریه در نتیجه پیدایش رکود در جنبه‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و تغییر پایتخت، از رونق و اهمیت ارتباطی برخوار کاسته شده است؛ به طوری که تعداد روستاهای آن کاهش شدیدی یافت و به تعداد امروزی-۲۳ قریه- (جناب، ۱۳۷۶: ۱۲۸؛ الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۹۹-۳۰۳) رسیده است.

۶. وضعیت اقتصادی برخوار

شاهراه اصفهان - ری، به عنوان یکی از شاخه‌های فرعی جاده ابریشم (ریاضی، ۱۳۷۴: ۵۴) و یکی از معروف‌ترین شاهراه‌های بیابان فارس و خراسان و به‌طور کلی نواحی مرکزی ایران (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۵۶؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۲۱) و راه چپاری اصفهان - ری از جمله

و خطیب در برخوار، کیفیتی است که مربوط به مساجد جامع می‌شود و وجود مساجد جامع مختص مکان‌هایی بود که دارای جمعیت زیاد بوده و اهمیت شهری داشته‌اند؛ بدین شکل که یکی از ویژگی‌های مهم شهر در قرون نخستین هجری داشتن مسجد جامع و منبر بود (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵: ۲۲۹). با توجه به این‌که بنا بر نظر برخی از محققان وجود بازار از جمله ملاک‌های شهر در دوران اسلامی بوده (عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶: ۲۶)، اشاره ابن حوقل بر وجود بازار در سکونت‌گاه‌های برخوار نشان دهنده وجود مراکز شهری در برخوار سده‌های متقدم اسلامی است. وجود مراکز شهری بر رشد جمعیت و وجود طبقات جامعه شهری همچون پیشه‌وران و صنعتگران در برخوار این دوره دلالت دارد.

وجود محوطه‌های متعدد و آثار شاخص دوره سلجوقی از تداوم رشد جمعیت و رونق برخوار طی سده‌های پنجم و ششم هجری حکایت دارد. بر اساس نوشته‌های مستوفی، در سده هشتم هجری عواقب هجوم مغول در برخوار نیز تأثیر مخربی داشته به طوری که تعداد قریه‌های آن به ۳۲ روستا کاهش یافته (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ۵۰)، با این وجود در این زمان بر رونق و اهمیت قریه گز افزوده شده است به طوری که دارای انواع تأسیسات شهری همچون مدارس، خانقاه و بازار بوده است. همان‌طور که مستوفی نوشته، این گونه قریه‌ها در جاهای دیگر ایران، شهر خوانده می‌شدند^۱ (همان).

۱. در دوره قاجار نیز بنا بر نوشته برخی جهانگردان اگر گز در نزدیک اصفهان نبود، شهر محسوب می‌شد (دو سفرنامه از جنوب ایران، ۱۳۶۸: ۲۰۹).

پرورش و نگهداری چهارپایان بارکش^۱ جهت راهاندازی کاروان‌های بزرگ تجاری (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۲۸؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۹، ۱۱۰) و اجاره منازل برخی سکونتگاه‌های منطقه به مسافران شده است (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۲۸). عبور هم‌زمان راه‌های متعدد، تقسیم راه‌ها و شکل‌گیری قطعی کاروان‌ها در مکان‌هایی همچون مورچه‌خورت و گز، نه تنها بر افزایش جمعیت این دو مکان تأثیر داشته (شاردن، ۱۳۳۶: ۹۲؛ دوبد، ۱۳۷۱: ۳۶؛ الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۹۹) بلکه آنها را بارکده ارسال کالا به دیگر مناطق نیز کرده است (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۳۹، ۳۴۰).

اگرچه اکثر راه‌های عبوری منطقه در زمره راه‌های تجاری قرار داشت و از کارکردهای اقتصادی برخوردار بود؛ با اینحال برخی مسیرها به صرف دستیابی بر مکان‌های زیارتی و انجام سفرها و تشریفات درباری، به‌ویژه در دوره صفوی ایجاد شده‌اند. وجود راه‌های پر تعداد، پیدایش، توسعه و کارکردهای خاص برخی سکونتگاه‌های منطقه را نیز به دنبال داشته است.

علی‌رغم وجود تجارت و امور وابسته بدان، کشاورزی معیشت غالب ساکنان بوده و عمده ساکنان برخوار کشاورز بوده‌اند (یعقوبی، ۱۳۴۳: ۵۰؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۹، ۱۱۰). قسمت اعظم شمال برخوار بیابانی (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۴) و به بیابان کرکس کوه معروف بوده است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۸۶). بخش‌های کوهپایه‌ای این بیابان،

راه‌های عبوری برخوار طی دوره ساسانی و سده‌های متقدم اسلامی بوده است (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۴۳؛ ابن رسته، ۱۳۶۵: ۲۲۳؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۴؛ قدامه، ۱۳۷۰: ۱۰۲). در سده‌های میانه اسلامی علاوه بر شاهراه اصفهان - ری، راه کمربندی یزد و کرمان به کاشان و قم و راه اصفهان - بروجرد و کرمانشاه نیز از برخوار عبور می‌کرده است (سیرو، ۱۳۵۷: ۱۲-۳۸؛ احمدی، ۱۳۸۸: ۴۷-۵۰؛ حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۸۴؛ منشی کرمانی، ۱۳۶۴: ۶۸).

طی دوره‌های صفوی و قاجار، به‌ویژه دوره صفوی با پایتختی اصفهان و اقتضاعات خاص آن، راه‌های مورد استفاده در دوره‌های قبل با ساخت کاروانسرا و منزلگاه‌های بسیار، مورد توجه بیشتری قرار می‌گرفت و با توجه به حجم بالای رفت و آمدها، بر کثرت آنها افزوده می‌شد. از شاهراه‌های عمده عبوری برخوار در این دوره، شاهراه شمال - جنوب از طریق مورچه‌خورت، شاهراه شمال - جنوب ایران از طریق نطنز، راه شاهی اصفهان - فرح‌آباد ساری و راه اصفهان به بروجرد، کرمانشاه و شهرهای مقدس کربلا و نجف قابل اشاره است (سیرو، ۱۳۵۷: ۱۹-۳۳؛ احمدی، ۱۳۸۰: ۱۳۴-۱۴۱؛ ۱۳۸۸: ۵۱-۵۵). عبور راه‌های متعدد، در خلال دوره‌های مختلف رونق تجارت و بازرگانی در این منطقه را به دنبال داشته و موجب شکل‌گیری انواع بازار (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۶، ۱۰۷؛ حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ۵۰)، انواع صنوف تجاری (هنرفر، ۱۳۵۰: ۸۹، ۱۵۷) و اشتغال برخی مردمان این ناحیه در امور مربوط به

۱. در این منطقه شتر به منظور راهاندازی انواع کاروان‌ها، به تعداد بسیار وجود داشته و پرورش می‌یافته است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۹ و ۱۱۰).

رایج‌ترین مشاغل خانگی منطقه، پیشه کرباس‌بافی را به دنبال داشت (دو سفرنامه از جنوب ایران، ۱۳۶۸: ۲۰۹؛ احمدی، ۱۳۸۸: ۳۳۰-۳۳۲) به واسطه وجود زمین‌های بسیار شور در برخی مناطق برخوار، رناس- گیاه مورد استفاده در صنعت رنگرزی از دیگر محصولات عمده برخوار بوده است (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۰۰). در این منطقه برخی گیاهان دارویی نیز وجود داشته که مهم‌ترین آن صمغی گیاهی به نام سکینج بود که تنها در مورچه‌خورت وجود داشت (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۸۶). در مجموع محصولات کشاورزی برخوار به ترتیب اهمیت در سه‌گونه غلات، صیفی‌جات و گیاهان با کاربردهای صنعتی و دارویی قابل دسته‌بندی بوده است. محصولاتی که به نظر می‌رسد برخی از آنها مازاد بر نیازهای ساکنان منطقه بوده و در تأمین معاش ساکنان اصفهان و دیگر مناطق کشور نیز استفاده می‌شده است.

با توجه به نوشته‌های جهانگردان (شاردن، ۱۳۳۶: ۹۲؛ سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۹۰) و بقایای بر جای مانده از باغات دوره‌های صفوی و قاجار در مناطقی همچون مورچه‌خورت (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۰)، جعفرآباد، سین، درمیان، عبدالرحمان و دیگر مناطق برخوار (احمدی، ۱۳۸۴)، باغداری یکی از فعالیت‌های جانبی کشاورزان برخوار بوده و از عمده محصولات آن پسته، انجیر، انار، زردآلو، سیب و توت بوده است.

بر خلاف سایر بلوکات و نواحی اصفهان، این منطقه به دلیل دوری از زاینده‌رود و عدم وجود رودخانه دائمی، با استفاده از قنات مشروب می‌شده و تنها دو مزرعه واقع در نزدیکی رستاق ماربین از آب زاینده‌رود بهره می‌برده است (ابن

زمستان‌های سخت و برف‌گیری داشته است (دوبد، ۱۳۷۱: ۳۳، ۳۴). جنس خاک منطقه در قسمت‌های شمال غربی رس، سفت و شن‌دار (موریه، ۱۳۸۶: ۲۱۶)، در قسمت‌های جنوبی، جلگه‌ای و مناسب برای انواع کشت و زرع (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۸۸) و در برخی قسمت‌ها، شور و نمکین و مناسب برای کشت برخی محصولات (خربزه و رناس) بوده است (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۹۹). تفاوت و نوع خاک قسمت‌های مختلف منطقه، نه تنها در نوع و تنوع محصولات کشاورزی و باغی، بلکه در ایجاد برخی صنایع و مشاغل، چون سفالگری، آجرپزی و پارچه‌بافی^۱ و همچنین تمرکز سکونتگاه‌های منطقه در نیمه جنوبی آن نیز، تأثیرگذار بوده است.

عمده محصولات منطقه صیفی‌جات (خربزه، هندوانه، زردک، چغندر قند)، گندم، جو، انواع حبوبات، پنبه، کنجد و توتون بوده است (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۰۰؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰، ۱۰۹). در این بین خربزه و هندوانه برخوار، به‌ویژه محصولات دو روستای سین و گرگاب، در کل کشور بی‌نظیر بوده و شهرت جهانی داشته است (تحویلدار، ۱۳۴۲: ۵۰، ۵۱). از دیگر محصولات با کیفیت برخوار گندم و پنبه مرغوب بوده، گندم برخوار به ویژه گندم مزارع کمشچه در مقایسه با گندم دیگر رستاق‌های اصفهان، بالاترین درجه مرغوبیت را داشته است (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۰۰) وجود کشتزارهای وسیع پنبه، روتق یکی از

۱. اگرچه در مکتوبات تاریخی در ارتباط با مشاغل یاد شده، گزارش صریحی وجود ندارد؛ ولیکن وجود بقایای کوره‌های سفالگری، آجرپزی و گارگاه‌های پارچه‌بافی (احمدی، ۱۳۸۴)، بر وجود این مشاغل در دوره‌های گذشته منطقه دلالت دارد.

شمال شرقی حیب‌آباد از مهم‌ترین معادن منطقه بوده که با داشتن مرغوبیت بسیار والا، عمده نمک اصفهان را تأمین می‌کرده است (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۰۲). چنان‌که ابن رسته نوشته، در هیچ کجای دنیا نمکی بدین طعم و پرسودی حاصل نمی‌شده است (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۸۶). از دیگر معادن منطقه، معدن زغال سنگ چاله سیاه بوده است (جابری انصاری، ۱۳۲۱: ۳۹۰). ناحیه برخوار حداقل از دوره ایلخانی، دارای شکارگاه‌های متعددی نیز بوده است (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ۵۴-۵۶). در دوره صفویه و قاجار، نواحی اطراف چاله سیاه با داشتن انواع چرندگان و درنده‌گان به عنوان شکارگاه سلطنتی، قرق بوده (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۵۰: ۳۹۶؛ دو سفرنامه، ۱۳۶۸: ۳۱۱) و اطراف مورچه‌خورت نیز با داشتن انواع پرندگان، شکارگاه مناسبی بوده است (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۲۸).

۷. نتیجه

با توجه به مطالب عنوان شده، برخوار به واسطهٔ مواردی همچون گذر شاهراه‌های عمده ارتباطی، موقعیت سوق‌الجیشی، قرارگیری در مجاورت بلافصل اصفهان و وجود زمین‌های حاصل‌خیز، در خلال دورهٔ ساسانی و قاجار همواره از نواحی پررونق و بسترساز شکل‌گیری رخدادهای مهم در حاشیه اصفهان و فلات مرکزی ایران بوده است. به نظر می‌رسد این منطقه در دورهٔ ساسانی به عنوان یکی از نواحی بزرگ و غنی کشاورزی ایالت اصفهان مطرح بوده و ساکنان آن عمدتاً از طبقه کشاورز و دهقانان ایرانی بوده‌اند. با توجه به مواردی همچون درون‌مایه‌ها و جنبه‌های تقدس امر کشاورزی در آئین زرتشتی، اهمیت قشر

حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۹-۱۱۰؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۵۰؛ الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۹۹). در منابع از تعدد قنات‌های برخوار و سابقه طولانی آنها سخن آمده است (دالمانی، ۱۳۷۸: ۵۰۴؛ جابری انصاری، ۱۳۲۱: ۳). از قنات‌های پیش از اسلامی برخوار، قنات سین، کیانی گز، شاپورآباد و پیری خورزوق قابل اشاره است. در دورهٔ قاجار، علاوه بر ۱۱۲ رشته قنات سالم (افضل الملک، ۱۳۸۰: ۷۸)، ۷۰ قنات مخروبه نیز وجود داشته که ویرانی آنها در نتیجهٔ هجوم اقوام گوناگون، مخصوصاً افغان‌ها بوده است (جابری انصاری، ۱۳۲۱: ۳). چاه به تعداد کم از دیگر منابع آبی این منطقه بوده است (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۹۹).

چنانچه مشخص است، تعدد قنات‌های برخوار هم بر نقش چشم‌گیر آنها در پیدایش، رشد، توسعه، زوال و اضمحلال سکونت‌گاه‌های منطقه تأکید داشته و هم بر وجود سیستم مدیریتی و نظارتی دقیق و برنامه‌ریزی شده حاکم بر آنها، اشاره دارد؛ سیستمی که برحسب ضعف و قوت حکومت مرکزی و متصدیان محلی، در دوره‌های مختلف با اوج و فرودهایی همراه بوده است. با توجه بدان که در دوره‌های گذشته به‌ویژه در دورهٔ صفوی تأسیسات آبیاری و راهداری به‌ویژه در ایالت خاصهٔ اصفهان اهمیت بسیار داشت و دو منبع اصلی درآمد و دو رکن اساسی تشکیلات حکومتی را تشکیل می‌داد (نوبدی، ۱۳۸۶: ۵۰، ۵۱)، اهمیت تأسیسات آبیاری و راهداری برخوار و درآمدهای حاصل از آن در نزد حکومت مرکزی، به‌ویژه در عصر صفوی، موضوعی انکارناپذیر است.

از دیگر منابع تأمین اقتصادی مردمان برخوار، وجود برخی معادن بوده است. معادن نمک شرق و

منابع

- کشاوری به ویژه دهقانان در چرخه‌های اقتصاد ساسانی، قرار گرفتن بناهای مهم آئینی در این منطقه و برخی نام‌ها، احتمالاً برخوردار در این دوران مرکزیت دینی و فرهنگی ناحیه اصفهان را بر عهده داشته است. در ادوار اسلامی در سه مقطع قرون سوم و چهارم قمری، دوره سلجوقی و عصر صفوی، منطقه برخوردار از بیشترین درجه اهمیت، رونق، ازدیاد جمعیت و تعدد سکونتگاه‌ها برخوردار بوده است. بی‌گمان سه دوره یاد شده با پایتختی اصفهان در دوران آل‌بویه، ملک‌شاه سلجوقی و صفویه که بر مبنای ارتباطات دو سویه و رفع نیازهای متقابل بود، ارتباط تنگاتنگی داشته است. به نظر می‌رسد حملات مغول، تیمور و افغان‌ها در کنار عوامل اقلیمی، تغییر راه‌ها و کاهش اهمیت اصفهان در برخی دوره‌ها، از عمده دلایل کاهش سکونتگاه‌های برخوردار در دوره‌های ایلخانی، تیموری و قاجاری بوده است. ساختار اداری برخوردار از ساسانی تا قاجار دگرگونی نداشته و همواره جزء نواحی ایالت اصفهان بوده و تنها برخی نقاط سرحدی آن در برخی دوره‌ها تغییر یافته است. روند تداوم و استمرار در وضعیت اقتصادی و اجتماعی دوره‌های ساسانی تا قاجار منطقه نیز دیده می‌شود؛ بر همین اساس، کشاورزی و امور خدماتی مرتبط با راه و راهداری، شیوه‌های غالب معیشت و اقشار وابسته بدین مشاغل، عمده ساکنان منطقه را تشکیل می‌داده است. بررسی روند وقایع سیاسی و نظامی رخ داده در این مکان از نقش تأثیرگذار ژئوپولیتیک منطقه در روند تحولات سیاسی ناحیه اصفهان به طور اخص و فلات مرکزی ایران به طور اعم، به‌ویژه در سده‌های هفتم، دوازدهم و سیزدهم هجری، حکایت دارد.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۷). *تاریخ اساطیری ایران*. چاپ دهم. تهران: سمت.
- ابن حوقل، محمد بن حوقل (۱۳۶۶). *صورة الارض*. ترجمه و توضیح جعفر شعار. تهران: امیر کبیر.
- ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله (۱۳۷۰)، *مسالك والممالك*. ترجمه دکتر حسین قره‌چانلو. تهران: [بی‌نا].
- ابن رسته، احمد بن عمر (۱۳۶۵). *الاعلاق النفیسه*. ترجمه و تعلیق دکتر حسین قره‌چانلو. تهران: امیرکبیر.
- ابن سپاهی‌زاده، محمد بن البروسوی (۱۳۹۳). *اوضح المسالك الى معرفة البلدان و الممالك*. تحقیق المهدی عبد الرواضیه. ترجمه و تحشیه حسین قره‌چانلو، تهران: انجمن ایرانی تاریخ.
- ابن فقیه، ابی بکر احمد بن محمد (۱۳۴۹). *ترجمه مختصر البلدان (بخش مربوط به ایران)*. ترجمه ح- مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی ابولفداء (۱۳۴۳). *تقویم البلدان*. ترجمه عبدالمحمدآیتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابونعیم اصفهانی، حافظ (۱۳۷۷). *ذکر اخبار اصفهان*. ترجمه نورالله کسایی. تهران: سروش.
- اتابکی، محمود بن بختیار (۱۳۷۸). *المختارات من الرسائل*. به کوشش غلامرضا طاهر و ایرج افشار. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- احتشامی، لطف الله (۱۳۸۴). *نقش کلانتر و کلخدایان در مدیریت شهر و روستاها*. تهران: مهرقائم.
- احمدی، عباسعلی (۱۳۸۰). *بررسی، معرفی و شناسایی بناهای تاریخی منطقه برخوردار اصفهان از دوران صفوی تا قاجار*. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد باستان‌شناسی. دانشگاه تهران. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. گروه باستان‌شناسی.
- احمدی، عباسعلی (۱۳۸۴). *گزارش طرح شناسایی و بررسی باستان‌شناسی منطقه برخوردار*. آرشیو سازمان

- میراث فرهنگی. گردشگری و صنایع دستی استان اصفهان.
- احمدی، عباسعلی (۱۳۸۵). «بررسی کاروانسراهای ناحیه شمالی اصفهان (برخوار) از دوران صفوی تا قاجار». اثر. ش ۴۰ و ۴۱. ص ۸۲-۹۵.
- احمدی، عباسعلی (۱۳۸۸). فضا و جامعه در شهرک‌های اقماری اصفهان عصر صفوی (مطالعه موردی مورچه خورت و قورتان). پایان‌نامه دوره دکتری باستان‌شناسی. دانشگاه تهران. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. گروه باستان‌شناسی.
- احمدی، عباسعلی (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی و تحلیلی مسجد جامع گز به استناد نویافته‌های مرمتی». معماری و شهرسازی هنرهای زیبا. ش ۴. ص ۳۷-۴۶.
- احمدی، عباسعلی (۱۳۹۳). گزارش اولین فصل کاوش باستان‌شناسی تپه نماز گز. آرشیو سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان اصفهان.
- احمدی، عباسعلی و جاوری، محسن (۱۳۹۳). «مدرسه جعفرآباد بنایی ناشناخته از دوران صفوی». مطالعات معماری ایران. ش ۵. ص ۱۲۹-۱۴۷.
- اداره جغرافیایی ارتش (۱۳۶۷). فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران: فرهنگ جغرافیایی کاشان. تهران: سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا (۱۳۶۸). نصف جهان فی تعریف اصفهان. به تصحیح منوچهر ستوده. تهران: امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۷ الف). مرآت البلدان ناصری. به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. تهران: دانشگاه تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۷ ب). تاریخ منتظم ناصری. تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
- افشار، ایرج (۱۳۷۸). شناخت استان اصفهان. تهران:
- هیرمند.
- افضل‌الملک، میرزا غلاحسین (۱۳۸۰). سفرنامه اصفهان. به کوشش ناصر افشاری‌فر. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- افشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت الله (۱۳۵۰). نقاوه الاثار فی ذکر الاخبار. به کوشش احسان اشراقی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بغدادی، صفی‌الدین بغدادی (۱۹۹۲ م). مراسد الاطلاع. بیروت: دارالجمیل.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۸). تاریخ اساطیر ایران باستان. تحریر سیروس شمسیا. تهران: علم.
- بهشتی، کریم (۱۳۷۶). تاریخچه سین برخوار و مقبره سید کمال‌دین. اصفهان: اداره کل اوقاف و امور خیریه اصفهان.
- پردولاماز (۱۳۷۰). «گزارش سفر پردولاماز از شماخیه به اصفهان». نامه‌های شگفت‌انگیز کشیشان فرانسوی در دوران صفوی و افشاری. ترجمه بهرام فره‌وشی. تهران: مؤسسه علمی اندیشه جوان.
- تاریخ عالم‌آرای صفوی (۱۳۵۰). به کوشش یدالله شکوری. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- تحویلدار، میرزا حسین خان (۱۳۴۲). جغرافیای اصفهان. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: دانشگاه تهران.
- تفضلی، احمد (۱۳۸۶). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. به کوشش دکتر ژاله آموزگار. چاپ پنجم. تهران: سخن.
- تفضلی، احمد (۱۳۸۷). جامعه ساسانی. ترجمه مهرداد قدرت دیزجی. تهران: نشر دانشگاهی.
- جابری انصاری، حاج میرزا حسن خان (۱۳۲۱). تاریخ اصفهان و ری و همه جهان. تهران: خرد.
- جعفری زند، علیرضا (۱۳۸۱). اصفهان پیش از اسلام. تهران: آن.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۳). «وقف‌نامه مدرسه سلطان

- اصفهان. حسینیه»، میراث اسلامی ایران. دفتر اول، به کوشش رسول جعفریان. قم: کتابخانه ایت الله مرعشی نجفی. ص ۲۵۱-۲۹۰.
- جناب، میر سید علی (۱۳۷۶). *الاصفهان*. به کوشش محمدرضا ریاضی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- جیهانی، ابولقاسم بن احمد (۱۳۶۸). *اشکال العالم*، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب. با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری. تهران: به‌نشر.
- حمدالله مستوفی (۱۳۳۹). *تاریخ گزیده*. به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.
- حمدالله مستوفی (۱۳۶۲). *نزهة القلوب*. به اهتمام و تصحیح گای لسترنج. تهران: دنیای کتاب.
- حمزه اصفهانی، حمزه بن حسن (۱۳۴۶). *تاریخ پیامبران و شاهان*. ترجمه دکتر جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- خواجهگی اصفهانی، محمد معصوم (بی‌تا). *خلاصه السیر*. تهران: علمی.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۷۸). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. ترجمه غلامرضا سمعی. تهران: طاووس.
- دلاواله، پیتر (۱۳۴۸). *سفرنامه پیتر دلاواله (قسمت مربوط به ایران)*. ترجمه دکتر شعاع‌الدین شفا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- دو سفرنامه از جنوب ایران (۱۳۶۸). تصحیح سید علی آل داود. تهران: امیرکبیر.
- دوید، بارون (۱۳۷۱). *سفرنامه لرستان و خوزستان*. ترجمه محمدحسن آریا، تهران: علمی و فرهنگی.
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۸۵). *تاریخ مشروطیت اصفهان*. اصفهان: سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان.
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۸۶). *اصفهان از انقلاب مشروطه تا جنگ جهانی اول*. اصفهان: دانشگاه
- اصفهان. رستم‌الحکما، محمدهاشم آصف (۱۳۴۸). *رستم‌التواریخ*. تصحیح محمد مشیری. تهران: [بی‌نا].
- رضا قلی خان هدایت (۱۳۳۹). *روضه‌الصفای ناصری*. قم: کتابفروشی مرکزی.
- رضاقلی خان هدایت (۱۳۷۳). *فهرس التواریخ*. تصحیح دکتر عبدالحسن نوایی و میرهاشم محدث. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ریاضی، محمدرضا (۱۳۷۴). «جاده ابریشم: شکل‌گیری و پیشینه». اثر. ش ۲. ص ۵۴-۴۸.
- زیدری نسوی، شهاب‌الدین محمد (۱۳۶۵). *سیرت جلال‌الدین منکبرنی*. تصحیح مجتبی مینوی. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- سپنتا، عبدالحسین (۱۳۴۶). *تاریخچه اوقاف اصفهان*. اصفهان: اداره کل اوقاف اصفهان.
- سجادی جزی، سعیدالدین (۱۳۸۳). *فرهنگ و تاریخ گزبرخوار*. اصفهان: مقیم.
- سدیدالسلطنه، محمدعلی (۱۳۶۲). *التدقیق فی سیر الطریق: سفرنامه سدیدالسلطنه*. تصحیح و تحشیه احمد اقتداری. تهران: به‌نشر.
- سعیدیان جزی، مریم (۱۳۸۷). «گز و برخوار در گذر زمان». *فرهنگ اصفهان*. ش ۴۱ و ۴۲. ص ۷۳-۸۸.
- سلطانزاده، حسین (۱۳۶۵). *مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*. تهران: نشر آبی.
- سلیمی جزی، رحیم (۱۳۸۶). «گز و برخوار از دید جغرافیدانان مسلمان». *فرهنگ اصفهان*. ش ۳۵. ص ۵۶-۵۹.
- سیرو، ماکسیم (۱۳۵۷). *راه‌های باستانی ناحیه اصفهان و بناهای وابسته به آنها*. ترجمه مهدی مشایخی. تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- شاردن، ژان (۱۳۳۶). *سیاحتنامه شاردن*. ترجمه محمد عباسی. تهران: امیرکبیر.
- عبدالستار عثمان، محمد (۱۳۷۶). *مدینه اسلامی*. ترجمه

- علی چراغی. تهران: امیرکبیر.
- عمادی، عبدالرحمن (۱۳۷۵). «گز». *نامواره* دکتر محمود افشار. گردآورنده ایرج افشار. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمودافشار.
- غلام بیگ، لیزا (۱۳۸۵). «الگوهای شهری در اصفهان پیش از صفویه». *اصفهان در مطالعات ایرانی*. به کنشش رناتا هولود. ترجمه محمد تقی فرامرزی. تهران: فرهنگستان هنر. ص ۱۹ تا ۴۶.
- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶). *سفرنامه فلاندن*. ترجمه حسین نورصادقی. چاپ سوم. تهران: اشرافی.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۴۶). *زندگانی شاه عباس اول*. تهران: دانشگاه تهران.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۵۳). *زندگانی شاه عباس اول*. تهران: دانشگاه تهران.
- فوران، جان (۱۳۸۵). *تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی*. ترجمه احمد تدین. چاپ دوم. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳). *سفرنامه فیگوئروا*. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.
- قدمه، قدامه بن جعفر (۱۳۷۰). *الخراج*. ترجمه و تعلیق دکتر حسن قره‌چانلو. تهران: البرز.
- کروسینسکی، تادوز یودا (۱۳۶۳). *سفرنامه کروسینسکی*. ترجمه عبدالرزاق دنبلی. با مقدمه و تصحیح مریم میراحمدی. تهران: توس.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۶۷). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: امیرکبیر.
- کریمیان، حسن و عباسعلی احمدی (۱۳۹۶). «گونه‌شناسی تزئینات منازل روستایی اصفهان در عصر قاجار». *نگره*. ش ۴۱. ص ۷۷-۹۰.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۵). «شهرهای اسلامی». *نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران*. تهران: هما. ص ۲۰۵-۲۲۹.
- گذار، آندره و دیگران (۱۳۸۴). *آثار ایران*. ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم. چاپ چهارم. مشهد: آستان قدس رضوی.
- لاکهارت، لارنس، (۱۳۴۳). *انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران*. ترجمه مصطفی قلی عماد. تهران: [بی‌نا].
- مجمل التواریخ و القصص (۱۳۱۸). به تصحیح ملک الشعرا بهار. تهران: خاور.
- محمدمی ملایری، محمد (۱۳۷۵). *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*. تهران: طوس.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. ترجمه دکتر علی نقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۶۴). *نسائم‌الاسحار من لطائم‌الخبار در تاریخ وزراء*. تصحیح میر جلال‌الدین حسینی ارموی. تهران: اطلاعات.
- مهریار، محمد (۱۳۸۲). *فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان*. اصفهان: فرهنگ مردم.
- موریه، جیمز (۱۳۸۶). *سفرنامه جیمز موریه*. ترجمه دکتر ابولقاسم. تهران: توس.
- میرزا رفیعا (۱۳۸۵). *دستورالملک*. به کوشش محمد اسماعیل مارچینکوفسکی. ترجمه علی کردآبادی. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- میرزا مهدی خان استرآبادی (۱۳۴۱). *جهانگشای نادری*. به اهتمام سید عبدالله انور. تهران: انجمن آثار ملی.
- نجم‌الملک، حاج عبدالغفار (۱۳۴۱). *سفرنامه خوزستان*. تهران: مؤسسه مطبوعات علمی.
- نویدی، داریوش (۱۳۸۶). *تغییرات اجتماعی و اقتصادی در ایران عصر صفوی*. ترجمه هاشم آغاجری. تهران: نی.
- وامبری، آرمینوس (۱۳۷۲). *زندگی و سفرهای وامبری*.

- ترجمه محمدحسن آریا. تهران: علمی و فرهنگی. ویلبر، دونالد (۱۳۶۸). *معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان*. ترجمه عبدالله فریار. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- هاشمی، احسان (۱۳۷۰). «اردستان»، *شهرهای ایران*. به کوشش محمدیوسف کیانی. تهران: جهاد دانشگاهی، ص ۲۴۳-۲۵۹.
- هنرفر، لطف الله (۱۳۵۰). *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*. چاپ دوم. تهران: ثقفی.
- یاقوت حموی، شیخ شهاب‌الدین (۱۳۸۰). *معجم‌البلدان*. ترجمه دکتر علی‌نقی منزوی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- یاقوت حموی، شیخ شهاب‌الدین (۱۳۷۶ق). *معجم‌البلدان*. بیروت: دارصادر و داربیروت. یزدانی گزی، محمدعلی (۱۳۹۰). *گز و برخوار در گذرگاه تاریخ اصفهان*: هشت بهشت.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۴۳). *البلدان*. ترجمه دکتر محمدابراهیم آیتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- Sirox, M., (1967). «Tras Monuments inconnus de Iran Ancien». *Iranica Antiqua*. Volumen VII. pp. 82-105.